



گفت‌وگو با محمد نعیمی‌پور

# اتوریته امام، مردم را پشت سر دانشجویان بسیج کرد

دانشجوها  
تصمیم گرفتند  
یک اعتراض  
نمادین بکنند  
و این اعتراض  
نمادین این  
بود که بروند  
دو سه روز در  
داخل سفارت  
بمانند و شکلی  
از گروگانگیری  
را نشان بدهند  
و بعد از دو  
سه روز به  
ماجرای خاتمه  
بدهند. در  
واقع آنها وجهی  
از اعتراض به  
امریکا را دنبال  
کردند

اگر چه سال‌ها از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا می‌گذرد، اما همچنان این واقعه تاریخی هر ساله مورد بازخوانی قرار می‌گیرد و توجه زیادی را به خود جلب می‌کند. شاید این از آن روست که استیکارستیزی یا مفهوم انقلاب، از همان نخست کلید خورده است. محمد نعیمی‌پور از دانشجویانی است که بعدها جنبه مشارکت را تشکیل دادند. بسیاری از دوستان او از تسخیر سفارت آمریکا در تهران پیشمانند اما او هنوز به صورت ضعیفی از این ماجرا دفاع می‌کند. هر چند به صراحت برخی اقدامات دانشجویان مانند انتشار اسناد را محکوم می‌کند. روایت نعیمی‌پور نماینده اصلاح طلب مجلس ششم از ماجرای لانه را در ادامه می‌خوانیم:

بکنند و این اعتراض نمادین این بود که بروند دو سه روز در داخل سفارت بمانند و شکلی از گروگانگیری را نشان بدهند و بعد از دو سه روز به ماجرا خاتمه بدهند. در واقع آنها وجهی از اعتراض به آمریکا را دنبال کردند. آن شرایط با شرایط فعلی قابل مقایسه نیست.

من کتابی از کورت والدهایم خوانده‌ام دبیر کل دوران تسخیر سفارت خاطرات خود را در این کتاب نوشته است و تصویری تا حدی خشن و نامناسب از دانشجویان ارائه می‌دهد می‌خواهم بپرسم در آن زمان در فضای بین‌المللی چگونه به این رویداد نگاه می‌کردند؟ انقلاب در ایران بود اما دنیا در بستر حقوقی آرامی قرار داشت جهان چه واکنشی نشان داد نگاه‌ها به این جریان چگونه بود؟

ما یک عده دانشجوی معمولی بودیم که اگر عکس‌های آن زمان را نگاه کنید هیچ خشونت‌ی در چهره آنها دیده نمی‌شود. آن مقطعی که آقای کورت والدهایم آمد دانشجویان موافق سفر ایشان نبودند و احتمالاً با ایشان سرد برخورد شده است. همان ماه اول هم بود که ایشان آمد. دانشجویان از سفر ایشان خشنود نبودند. من می‌توانم بگویم که شرایط برای گروگان‌ها خوب نبود. البته هر کسی در جایی محبوس بشود، شرایط خوبی برایش نیست و حتماً از این موضوع، گروگان‌ها رنج می‌برند. در طرف مقابل هم همینطور است کسانی که چنین اقدامی را انجام داده‌اند راحت نیستند و همواره نگران هستند که اتفاق

بحث، بحث ۱۳ آبان سالروز تسخیر سفارت امریکا است. بحث از این حیث حائز اهمیت است که الان آن جریان شبیه‌سازی می‌شود و در جامعه فعلی ما مؤثر است. نکته بعدی این که این مسئله به مناسبات ما با جهان و آمریکا مربوط است به عنوان اولین سؤال می‌پرسم چرا در آن فضای که تا حدودی نظام مستقر شده بود در حالی که ما دولت مستقر داشتیم و رهبری امام در سطح بالایی جریان داشت و می‌شد کارهای حقوقی و سیاسی کرد و از طرق سیاسی و حقوقی و غیره به آنچه لازم بود، رسید، چرا این راه پیگیری نشد و یک دفعه چند تا دانشجوی بلند شدند رفتند سفارتخانه؟

یک اشکالی که برای مقایسه وضعیت گذشته و حال حاضر وجود دارد، این است که در دو فضای متفاوت به موضوع نگاه می‌شود. شما از عناصر حقوقی صحبت می‌کنید در حالی که آن زمان فضا، فضای انقلابی، هیجانی و احساساتی بود. البته در آن فضا هم دانشجویان خیلی تمایل نداشتند که کار غیر قانونی انجام بدهند. اما چند اتفاق جدی افتاد که فضای کشور را به کلی ملتهب کرد و امام هم هشدارهای خیلی جدی می‌دادند. یکی از آن اتفاقات این بود که آمریکا به شاه اجازه ورود داد البته به بهانه بیماری شاه. اما تلقی مردم ایران این بود که دارد دوباره یک اتفاق تکرار می‌شود مثل سال ۲۲ که شاه رفت و دوباره بازسازی شد و برگشت. در چنین فضای پر شور، انقلابی و احساسی و پر از بیم و امید دانشجویان تصمیم گرفتند یک اعتراض نمادین

من با قاطعیت می‌گویم که در داخل کشور، کسی با اصل این کار جز گروه‌های سلطنت طلب مخالف نبود افرادی قبل از اقدام به تسخیر سفارت مخالف بودند از جمله نمایندگان دانشجویان علم و صنعت و تربیت معلم، این اختلاف بسیار ساده و طبیعی پیش آمد. آنها می‌گفتند که ما برویم از دولت مجوز بگیریم و این کار را انجام بدهیم خیلی طبیعی بود که دولت و امام با انجام چنین کاری مخالفت می‌کردند. امام و دولت نمی‌توانستند چنین امری را بپذیرند.

به‌خاطر این که فضای انقلابی آن موقع فضایی بود که اینجور کارها مورد پسند بود. دانشجویان مجبور شدند که این کار را مخفیانه انجام دهند چرا که گروه فدائیان خلق قبلاً به چنین کاری اقدام کرده بودند و توسط دولت از سفارت اخراج شدند

چشم‌انداز دانشجویی

از شرقی زدگی و غربی زدگی تا انقلاب اسلامی





اما مشی دانشجویان این بود که اجازه ورود به گروه‌ها را ندهند اما برای حمایت، اکثر مسئولان آمدند شاید بیش از ۹۵ درصد شخصیت‌ها آمدند. آمدن حاج احمد آقا یک نوع حمایت بود اما بعد از آن ما با حاج احمد هیچ سروکاری نداشتیم. آقای موسوی خوئینی‌ها بودند که در جلسات شورای دانشجویان شرکت می‌کردند و مطالب لازم را به امام منتقل می‌کردند تا آنجا که من می‌دانم از تباطؤ ایشان با امام مستقیم بود.

بحث اشغال سفارت آمریکا بحث خیلی پرچالشی هست و هر کسی هم از منظر خودش سعی می‌کند این واقعه را به چالش بکشد و البته خوب هم هست لذا این بحث اینطوری نیست که بشود از آن به راحتی گذشت. یک تعبیر امام، انقلاب دوم بود. من فکر می‌کنم نظر امام این بود که بعد از یک مبارزه ضد استبدادی معتقد به یک مبارزه ضد امپریالیستی بودند. مبارزه‌ای علیه آمریکا که کشورها را همیشه تهدید کرده است. بعد از ۱۷ شهریور کارت آمد ایران. برای حمایت از شاه نشستند به سلامتی هم جام شراب نوشیدند. این کار برای تحقیر مردم بود در حالی که مردم خون می‌دادند آنها آمدند همچون کارهایی کردند. به هر حال اشغال سفارت واقعه مهمی است. همه می‌خواهند آن را به چالش بکشند برخی آن مسئله را با قرائت امروزی که قرائت اصلاح طلبانه، ضد خشونت و سیاست ورزانه است، بررسی می‌کنند در حالی که این کار جای ابهام دارد. هرچند این اقدام درس آموزی فوق العاده برای جریان آزادخواهانه دارد باید این موضوع را شکافت اگر براساس نیت خودمان و تفاسیر شخصی که بعضاً اغراق آمیز و غیر واقعی است حرف بزنیم درس آموزی مناسبی هم نخواهیم داشت.

باید در مورد مسئله تسخیر سفارت بیشتر بحث کرد نباید به جایی برسد که بعضی‌ها بگویند اینها رفتند در جبهه مردند و دیگر نیستند نه ما زنده ایم و تجربیات زیادی داریم برای این مسائل حاضر هستیم چالش بکنیم ما در آن فضایی که در کشور حاکم بود کارمان را قابل توجیه می‌دانیم. البته اگر امروز بود این کار را نمی‌کردیم روش دیگری به کار می‌بردیم اما فضای امروز با شرایط آن موقع کاملاً فرق می‌کند.

**در مورد دستاوردهای تسخیر سفارت صحبت کردید می‌خواهم در مورد هزینه‌های آن هم صحبت کنید آیا جنگ را هزینه این اقدام می‌دانید؟ و همچنین تحریم‌های بی در پی را؟**

این موضوع، موضوع مهمی است. مخالفان این حرکت، در این مورد خیلی جدی دانشجویان را به چالش می‌کشند که این کار به آمریکا کمک کرد و جاهطلبی‌های صدام را افزایش داد و او را تحریک کرد اما همه قضیه این نیست. ایران و عراق سال‌های سال رقیب جدی بودند و هر کدام مترصد اقدامی بودند جنگ ایران و عراق وجوه مختلفی دارد. البته این اقدام امریکایی‌ها را نازحت کرد و شاید یکی از دلایل جنگ باشد اما من جنگ ایران و عراق را نه یک وجهی که چند وجهی می‌بینم. تحریم‌ها طبیعی بود این تحریم‌ها کاملاً سینوسی بود فراگیر هم نبود به‌خاطر وضعیت بین المللی فراگیر نبود ما هیچوقت تحریم فلج‌کننده‌ای نداشتیم و خیلی مقطعی بود. به‌رحال اینگونه موضوعات را باید چند وجهی دید.

۲۸ مرداد، آمریکا منافع بسیار گسترده‌ای در ایران و خاورمیانه داشت و دستش آهسته آهسته کوتاه می‌شد فکر می‌کردیم برای حفظ منافع خودش برنامه‌هایی دارد. ذهنیت‌ها این بود که شاه را که ملت از آن نفرت داشتند به آمریکا می‌برد و به ما دهن کجی می‌کند. ما در این حد می‌توانستیم تنها تحلیل کنیم نه این که تحلیل جامعی داشته باشیم. براساس این حس دانشجویی و نه تحلیل عمیق اقدام به این کار کردیم. مسائلی که مطرح می‌شود مسائلی بعدی است. به نظر من مسائل بعدی را باید حکومت با اطلاعات جامع‌تری تشخیص می‌داد که ادامه کار چگونه باشد.

ما از آن به بعد بخشی از جامعه بودیم به امام اعتماد داشتیم امام را دوست داشتیم امام را تجربه کرده بودیم. من در آن موقع ۲۴ سالم بود و بخش زیادی از جوانانی که هم سن و سال من بودند اختناق و دیکتاتوری شاه را با پوست و استخوان حس کرده بودند. هیچوقت تصور نمی‌کردیم که شاه برود فکر می‌کردیم که شاه حالا حالاها در این کشور خواهد بود. وقتی آن اتفاق افتاد و امام توانست این حکومت قدرتمند را که هم از خارج پشتیبانی می‌شد و هم قدرت داخلی و نظامی و امنیتی فوق العاده داشت و ژاندارم منطبق بود ساقط کرد، همه جذب امام شدیم. تشخیص ما این بود که امام کارشان را درست انجام می‌دهند و واقعیت آن روز این بوده که هیچ کس تصور نمی‌کرد که در بهمن ۵۷ شاه می‌رود و همه به‌خاطر تنفر فوق العاده که از شاه داشتند خوشحال بودند و امام را ستایش می‌کردند و حرفش را حرف خود می‌دانستند. در مورد بحث تسخیر سفارت آمریکا وقتی امام بعد از دو سه روز این انقلاب را انقلاب دوم نامید که ما اصلاً چنین تصویری نداشتیم بخشی از جامعه سیاسی کشور احساس کرد که اتفاق مهمی افتاده و باید از آن بهره‌های زیادی برد. آنچه شما راجع به پیچیدگی‌ها مطرح می‌کنید و این که نگرانی‌ها رافع شد یا نه؟ این بحث دیگری است و از بحث اقدام دانشجویان که به عنوان اعتراض چنین کاری را انجام دادند باید جدا شود.

**عکسی از حاج احمد آقا هست که در میانه شب دانشجویان ایشان را از دیوار سفارت بالا می‌کشند. جریان این عکس چیست؟ آیا امام از طریق حاج احمد آقا این کارها را پیگیری می‌کردند؟**

آن دوران مردم زیادی برای حمایت جلوی سفارت می‌آمدند. اینقدر جلوی سفارت ازدحام می‌شد که رفت و آمد به سفارت سخت می‌شد. این بود که وقتی حاج احمد آقا آمدند با نردبانی از دیوار داخل آمدند. در آنمی‌شد باز کرد. آمدن ایشان نمادین و نشانه حمایت امام بود. آن گونه که حضور ذهن دارم تمامی افراد سیاسی آن روز مشتاق بودند که بیایند داخل سفارت و ابراز حمایت کنند و حداقل یک عکس با دانشجویان داشته باشند. گروه‌های مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی و تمام این گروه‌های سیاسی از جمله مسعود رجوی این درخواست را کردند تا با دانشجویان که نماد مبارزه با امپریالیسم بودند، صحبت کنند. آن دوران، مبارزه با امپریالیسم مد روز بود. جریان چپ روشنفکری از نوع مارکسیستی و ضد امپریالیستی بود. فضا کاملاً ضد امریکایی بود. همه علاقه‌مند بودند به سفارت بیایند

سازمان مجاهدین خلق و گروه‌های دیگر هم در فکر این کار بودند گروه‌های مسلمان دیگر هم تمایل زیادی به این کار داشتند. ما دوهفته‌ای و کاملاً بی‌سر و صدا برنامه ریزی کردیم که بتوانیم اعتراض موفقی را داشته باشیم. ذهنیت دانشجویان این بود که اگر یک روز هم آنجا می‌ماندند موفق بودند. تلاش این بود که به نوعی گفته بشود که این دانشجویان مسلمان و پیرو خط امام اند و برای خودشان دفتر و تشکل ویژه‌ای ندارند که بخوانند برای حزب خود کار کنند. هرچند طبیعی بود که این کار به‌لحاظ سیاسی طرفدار جدی داشته باشد حتی دوستان مهندسی بازرگان موافق این موضوع بودند اما می‌گفتند فقط برای چند روز این کارها صورت بگیرد.

**یعنی موافقت کرده بودند با تسخیر سفارت؟**

موافق بودند که این اعتراض خوب است اما به شرط این که یکی دو روز تمام بشود. بعد از آن را حرف داشتند و مخالف بودند. من خودم با آقای شهریار روحانی که آن زمان سفیر ما در آمریکا بود صحبت کردم. ایشان می‌گفتند که برای یکی دو روز خوب است صدای مظلومیت ملت رسانده شود اما بیش از آن لطفی ندارد. البته ما هم بعد از آن هیچکاه بودیم. اتوریته دانشجویان اینقدر نبود که ملت را در این حد بسیج کند فضای سیاسی یک فضای ضد امریکایی و همدلانه بود. ما بسیار نگران بودیم چون جنگ کردستان و ترکمن صحرا... همه اینها را که می‌دیدیم احساس می‌کردیم یک مرکزی وجود دارد و نقشه‌ای برای سقوط انقلاب و همه مردم غیر از سلطنت طلب‌ها نگران وضعیت کشور بودند.

**آن دو سه روز چگونه گذشت؟ شما از نگرانی مردم حرف زدید. آیا بعد از تسخیر سفارت این نگرانی رفع شد؟ آیا واقعا کارکنان سفارت آمریکا آنجا برای ساقط کردن انقلاب کاری می‌کردند؟**

در دو سه روز اول چیزی ندیدیم و قصدی هم برای دیدن اسناد نداشتیم. ما دنبال سند نبودیم یک اتاقی که درب گاو صندوقی داشت، در آنجا بود. ما نمی‌دانستیم اما بعداً فهمیدیم آن جا بخش CIA سفارت بوده است. ما به عنوان دانشجویان چنین پیچیدگی در ذهنمان نبود که تشخیص بدیم که این مسئله چگونه است. بعداً برای ما مشخص شد که اینجا دفتر CIA بوده و مرکز CIA در خاورمیانه بود که بعد از انقلاب این مرکز به یونان منتقل شده بود. کارشناس‌های برجسته CIA در اینجا کار می‌کردند. بعد هم با زیرکی موقعی که ساختمان تسخیر شد آنها به مدت ۱۵-۱۰ ساعت در آنجا را بسته بودند. دانشجویان اصلاً متوجه نبودند بعدها متوجه شدند که آنجا بسیاری از اسناد را در این ۱۵-۱۰ ساعت از بین برده‌اند.

**مردم ایران به‌خاطر جریان مصدق و آئنده، نگران بودند این که ممکن است ما این همه زحمت کشیدیم از بین برود آیا بعد از تسخیر سفارت این نگرانی که به‌خاطر آن این رویداد اتفاق افتاد، در میان دانشجویان و مردم رفع شد؟**

من تأکید دارم که ما نه پیشداوری کرده بودیم و نه اطلاعی داشتیم و نه پیچیدگی‌هایی در این زمینه داشتیم. ما یک نگرانی داشتیم از نوع نگرانی کودتای

**وقتی حاج احمد آقا آمدند با**

**نردبانی از دیوار داخل**

**آمدند. در را**

**نمی‌شد باز کرد.**

**آمدن ایشان نمادین و نشانه**

**حمایت امام بود. آن‌گونه**

**که حضور ذهن دارم تمامی**

**افراد سیاسی آن روز مشتاق**

**بودند که بیایند داخل سفارت**

**و ابراز حمایت کنند و حداقل**

**یک عکس با دانشجویان را**

**داشته باشند**

